

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۲ دسمبر ۲۰۲۰

تذکری کوتاه در مورد "عملیات ایذائی"!

سه شنبه- ۱۱ قوس ۱۳۹۹ - کابل: شاید شما هم از مدتها بدین سو متوجه شده باشید که چند تن از سخنگویان ارگ، وزارت دفاع و وزارت داخله یعنی آقایان "محمود، احمدزی و آرین"، هر زمانی که خواسته اند در مورد ناکامی های امنیتی دولت دست نشانده در کابل و یا شهر های دیگر در جلوگیری از ترور، انفجار و انتحار صحبت نمایند، بسیار پیش پا افتاده که در بطن خود توهین به شعور شنوندگان را حمل می نماید، بار ها گفته اند:

" دشمن زبون در میدانهای جنگ توان رویارویی با اردوی قهرمان- بخوانید قیرمان- و چه و چه ما را ندارند، لذا به چنین عملیاتی دست می زنند."

در یادداشت امروز بسیار فشرده خواهیم کوشید، تا به آنها تفهیم نمایم که جهت کتمان بیکارگی و بی عرضگی خودشان به شعور و فهم مردم توهین ننمایند. اما قیل از آن:

این را می دانیم که مبنای تفکر انسان، پراتیک اجتماعی انسان شامل هر سه بخش می باشد، این را هم می دانیم که در کل تجربه دنیوی است، تجربه مستقیم و تجربه غیر مستقیم. این هم می دانیم که خلاف تجربه مستقیم که الزام شرکت فرد در عمل اجباری است، تجربه غیر مستقیم آن است که انسانها ماحصل تجارب مستقیم دیگران را که به صورت دانش در یک ساحة علمی تدوین شده بیاموزد.

هرگاه این برداشت خود را در مورد جنگ و دانش نظامی در افغانستان بخوایم تطبیق نمائیم، می شود گفت: تمام آنهایی که در رشته نظامی تحصیل کرده اند از دریم بریدمن گرفته تا ستر جنرال- هدف ما آنها نیست که تحصیلات مسلکی نظامی دارند- دانشی را که فراگرفته اند، هرچند برای آنها تجارب مستقیم دیگران است که از طریق کتاب انتقال یافته، مگر برای خودشان، همان تجارب مستقیم دیگران، تجربه غیر مستقیم می باشد.

عکس این دانش آموخته ها، وضعیت جنگی افغانستان در جریان ۴ دهه اخیر و دست و پای زدن قسماً اجباری اکثریت مطلق مردم در باتلاق خون و جنگ، ذهن انسان دردمند کشور را به چنان مرکز تجمع و نگهداری از زیر و بم جنگ مبدل نموده، که اگر بگوئیم اکثر آنها حد اقل از لحاظ برداشت های جنگی شان در حد یک تحصیل یافته عسکری صاحب منصب اند، به خطا نرفته ایم.

با حرکت از این بحث کلی، این قلم هرچند خود تفنگ نگرفته و بر کسی فیر نکرده ام، مگر آنقدر در فضای زدو خورد زیسته و آنقدر در مورد کتاب و گزارش خوانده ام که بدانم چه می گویم و چرا آقایان سخنگویان مقامات

امنیتی دولت دست نشانده، جهت کتمان بی عرضگی خودشان و یا هم نا فهمی و حماقت شان، به مردم توهین می نمایند.

از استدلال های این آقایان چنین استنباط می شود که آنها تا کنون یا از لحاظ تئوری معنای جنگ و عملیات "ایذائی" را نمی دانند و یا خود می فهمند مگر فکر می کنند مردم بلا تشبیه خرد اند و نمی دانند. اینها نمی خواهند بفهمند که در یک عملیات ایذائی، هدف عملیات کننده، اشغال یک منطقه که به دنبال خود پراگندگی ها و مسؤولیت های عمومی قبل از وقت را نیز خواهد آورد، نیست؛ بلکه هدف عملیات کننده، ضربت زدن حریف، وارد کردن آسیب، فرار خودش و بی اعتبار ساختن طرف مقابل می باشد. این یعنی همان کاری که طالب بسیار بسیار موفقانه انجام می دهد، در روستا حمله می کند، یک ولسوالی را تخریب و تاراج نموده مدافعان آن را سر می برد و قبل از رسیدن نیروهای بزرگ اردو، طبق پلان فرار می نماید، از هلمند به زابل، از زابل به غزنی و از غزنی به وردک و از آنجا به کابل با بمب چسپیکی اش خود را رسانیده، در هرکجا پای می گذارد، خط و تلی از خون و آتش در قفایش به یادگار می گذارد.

این سخنگویان گویا با آن که خود لومین معلوم نمی شوند و اگر حق داشت از روی چهره بر شخصیت انسانها قضاوت کرد به استثنای "آرین" که ممکن است در گذشته، بار ها دست به یخن شده باشد، دو تن دیگر انسانهای سربه راهی معلوم می شوند، در صحبت هایشان تلاش می ورزند به نحوی بی عرضگی حاکمیت شان را در عقب فرهنگ لومپنی- اگر نر هستی بیا بیرون- پنهان نمایند.

هموطنان گرامی!

به این مروجین فرهنگ لومپنی باید تفهیم کرد و فهماند که طالب "نربودن"ش را در زدن و فرار کردن یافته است، اگر شما "نر هستید" یا نگذارید دست به عمل بزنند و یا اگر دست به عمل زدند نگذارید فرار کنند.

مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزءلایجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!

سرکها ما را می طلبند!